

جامعه صنعتی و نقش انجمن‌های خانه و مدرسه در نظام آموزشی (۱)

۱ - از خصائص بارز جامعه‌های صنعتی ، رواج گروه‌های اختیاری از قبیل انجمن‌های مختلف و متنوعی است که براساس یک یا چند رغبت و علاقه مشترک جمعی از افراد را بطور «خود خواسته» گرد هم می‌آورد و همکاری برای نیل به هدف یا هدفهای مطلوب برمی‌انگیزد. این انجمن‌ها در جوامع «دموکراتیک» نقشی مهم بعهده دارد و احياناً در تمثیت امور بعنوان «گروه ذی نفوذ»^۱ مؤثر می‌افتند.

۲ - انجمن خانه و مدرسه در جامعه‌های صنعتی و غیر آن بیش از نیم قرن سابقه دارد و تشکیل آن حاصل آگاهی و هشیاری باین حقیقت است که خانه و مدرسه بعنوان دو سازمان تربیتی ، نقشی مرتبط و مکمل یکدیگر دارند و همکاری نزدیک میان آن دو واجد اهمیت خاص است .

۳ - ضمناً این تشکل ، نتیجه تحولی مهم در اندیشه‌ها و روشهای عمل است که دیگر مدرسه را بعنوان یگانه مسئول آموزش و پرورش و نظامی بخود متکی و در بسته و منقطع از جهان بیرون و عوامل پیرامون نمی‌انگارد و به پیروی از تعلیمات جان‌دهونی و بسا سرپهان دیگر بر آن است که میان «درس و زندگی» فاصله وجدائی نباید باشد.

همکاری خانه و مدرسه

۴ - اگر تصدیق کنیم که هدف مدرسه جدید ، پرورش شخصیت و کمک به بروز ظهور استعدادات هر فرد و نیل آن به بالاترین مراحل کمال خویش است ، باید همان دم این حکم را نیز بپذیریم که شاوره و تبادل نظر مستمر میان اولیاء و معلمان نهایت ضرورت را دارد زیرا

1 - Associations de parents delevés et de maitres

2 - Pressure groups - groupes de pression

از یک طرف پدر و مادر، کودک و نوجوانان خود را از نزدیک و از درون بهتر و بیشتر می‌شناسند و سوابق زندگی و رشد و تکامل او را شاهدهی صادق هستند و از طرف دیگر معلم با آگاهی به رموز تعلیم و تربیت و روانشناسی کودکان و نوجوانان و امکان مقایسه هر فرد به فرد دیگر با واقع بینی و عینیت، قادر است که داوری عادلانه تری در مورد هر یک از معلمان خویش بکند.^۲

• در این شبهه نیست که زندگی خانوادگی تأثیری قاطع در میزان آمادگی طفل برای سازگاری با محیط مدرسه دارد. پدر و مادر بی‌سواد یا کم سواد نمی‌توانند عامل مؤثری در رشد عقلی و فکری فرزند خود باشند. پژوهش‌ها و بررسی‌های متعدد که دائره‌المعارف تحقیقات تربیتی^۳ بپاره‌ای از آنها اشارت می‌کنند گواه آن است که حتی الگو و نحوه رفتار پدر و مادر با فرزند در سوفیت وی در محیط مدرسه کارگر است «کودکانی که از خانواده‌های دموکراتیک بررسی‌خیزند همواره از جهت ابتکار، قدرت خود راه‌یابی و کنج‌کاوی برترند. طفلی که در خانه بهرمند از محبت است از نیروی عقلی بیشتر برخوردار است و بعکس کودکی که در خانه بی‌مورد سلامت و شجاعت است و همواره در حالت تبعیت و مقهوریت قرار دارد، پیشرفت سریع در مدرسه نمی‌کند.» بررسی یکی از پژوهشگران حاکی از آن است که فقدان عنصر مرد در خانه هم در سوفیت کودکان تأثیر منفی دارد. غیبت مادر، بمناسبت اشتغال او در خارج در صورتیکه طفل وی خود را در خانه در ایمنی و آراستش احساس می‌کند، در کار درس و مدرسه طفل اثر ناخوش می‌گذارد و از همین جا اهمیت مشارکت پدر و مادر هر دو در آمادگی کودکان برای زیستن و کامیاب شدن در مدرسه محرز و مسلم می‌شود.

تحقیقات دیگر مبین آن است که سیطره و حاکمیت بیش از اندازه یا ترس و تساهل بیش از حد اولیاء هر دو، کار تطابق اجتماعی طفل را در مدرسه دشوار می‌کند. حتی اختلال کلامی طفل، در مواردی بنابسامانی روابط او با پدر و یا مادر خویش مربوط است. اختلافات پدر و مادر و ناآرامی و تشنج محیط خانواده، مسلماً اثر ناسطوب در کارکرد درسی کودک دارد. شک نیست که فقر خانواده‌های پرنفوس و نبودن جا و مکان معین در خانه برای مطالعه کودکان و عواملی از این قبیل درسی اثر بارز دارد و بی‌گمان معلم دلسوز و مشفق که بخواهد رسالت خویش را به وجه احسن بانجام رساند نمی‌تواند از شناسائی محیط عاطفی، عقلی و حتی صوری که شاگردان او در آن قسمت عمده اوقات خود را می‌گذرانند غافل ماند.

۴ - چون لزوم شناسائی خانواده اطفال از جانب معلمان روشن شد کلمه‌ای چند هم در مورد ضرورت آگاهی اولیاء بر کار مدرسه باید گفت. بسیاری از اولیاء غافلند که تا چه حد رفتار آنان با کودکان خود در خانه محل کار تحصیل و تعلم آنان است مانند مواردی که در آن

۴ - از انتشارات Mac millan company New - York

۳ - نظر شود به کتاب تعلیم و تربیت روانی - به فرانسه و انگلیسی - اثر W. D. Wall

از انتشارات پونسکو - قسمت ۲ فصل ۲

اولیاء از فرزندان خود توقع مشارکت وسیع در تمشیت امور منزل دارند. پدران و مادرائی نیز هستند که با اعزام فرزندان خود بمدرسه ، خود را از هر مسئولیت تربیتی و تعلیمی بسری می‌پندارند و این وظیفه را کلاً برعهده مدرسه تعویض میکنند و حال آن که مدرسه بیاری و همکاری سایر سازمانهای تربیتی ازخانه گرفته تا محیط اجتماعی و وسائل ارتباط جمعی و غیر آن ذاتاً نیازمند است. پدر و مادر اگر به روش و طرز کار مدرسه آشنا شوند می‌توانند بجای نقض آموزش مدرسه ، به تأیید و تکمیل آن مساعدت کنند و نیل به هدف مشترک را که تکامل کودک یا نوجوان است آسان تر سازند. درجهانی که اصل خودآموزی و کمال‌گرایی مستمر و مداوم بعنوان مهمترین اصل تربیتی پذیرفته شده است همه نهادهای جامعه باید با هماهنگی کامل ، مانند اجزاء و ارکان یک مدینه تربیتی* بقول ادگار فور و همکاران او ، به تحقق این مطلوب یاری کنند .

۷ - در جامعه صنعتی ، « تخصصی شدن و ظایف » بعدی است که هیچ سازمانی به تنهایی نمی‌تواند ب همه نیازها پاسخ گوید و هنگامی که سروکار با موجودی است چون انسان که همواره پویا و دائماً متحول است و حوائج او هم در سنین مختلف عمر به قدر زندگی وسعت و تنوع دارد مسلماً نه مدرسه تنها و نه خانواده تنها با وظایف کم و بیش تخصصی خود ، نمی‌توانند ب همه احتیاجات فرد متعلم و متربی به بیان امروزی « پوشش دهند » خصوصاً که فرد امروزی در عصری که شاخص اصلی آن تغییر شدید و فروریختگی سریع گذشته و سنت‌های آن است بوجود آمده و ذاتاً به روی برتافتن از سنت‌های قدیم گراینده است و بهمین مناسبت ، همکاری همه بنیادهای تربیتی برای شناخت انسان امروزی و اجابت نیازهای او لزوم قطعی یافته است.

بعضی از زمینه‌های همکاری

خانه و مدرسه

۸ - از خطراتی که در جامعه صنعتی برسر کودکان ما سایه می‌افکند سلب حق حرکت و فعالیت و ابتکار عمل از آنان هم در مدرسه و هم در خانه است. بسیاری از مدارس حتی فاقد زمین ورزش است و غالب کلاسها چنان که ایوان ایلچج توصیف کرده مثل اداره‌ای است که لزوم آرامش و فرمانبرداری شعار اصلی آن است. کثرت تکالیفی که باید در خانه بانجام رساند و وجود رادیو - تلویزیون و تنگی آپارتمان و عوامل دیگر کودکان را به موجوداتی صندلی‌نشین و بی‌حرکت و غیرفعال و فعل‌پذیر مبدل کرده است. برای رفع این خطر که ممکن است مردم

5- Cite educative

۶ - خطری که انسان مبتکر ، خلاق و « خود رهبر » قدیم (قرن نوزدهم) را به انسان سازمانی (بقول ویلیام هوایت) و « دیگری رهبر » بگفته ریسمن مبدل میکنند.

فردا را از آدم به آدمک تنزل دهد اقدامی جدی ، ولی مشترک ، از جانب خانواده و مدرسه هردو ضرور است و این عرصه یکی از مواردی است که نقش انجمن های خانه و مدرسه می تواند در نوسازی نظام آموزشی مؤثر افتد.

۹ - زمینه دیگر همکاری خانه و مدرسه در جامعه صنعتی ، باین نکته ارتباط دارد که معمولاً توسعه اقتصادی ، با مادی شدن انسان و عرفی شدن امور همراه بوده است ، آشننگی احوال جهان امروز در اوج کمال فنی و مادی خودگواه این حقیقت است که بدون معنویت کار عالم به سامان نمی رسد. عرفی شدن اکثر مدارس و ترویج عقیده به اولویت و «کفایت» علم از یک سوی و عدم توجه کافی بسیاری از خانواده ها به تربیت اخلاقی از سوی دیگر ، از مسائل عمده ای است که ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی امروز چون عصیان جوانان را در آن میتوان جست. البته تربیت جسمی و عقلی هردو ضرور است اما اهمیت تربیت عاطفی و روحی از آن کمتر نیست و در این جاست که باز مشاوره میان اولیاء و مربیان و کوشش مشترک در یافتن راه های مناسب پرورش اخلاقی و معنوی نونهالان متضمن فوائد فراوان است.

بسیاری از مدارس به نقش آموزشی ، آنهم از طریق انتقال مطالب از جزوه استاد به حافظه شاگرد متکی و خرسند هستند. اما یک مؤسسه حقیقی تربیتی نمی تواند و نباید بچنین وظیفه محدودی بسنده کند پرورش و رشد متوازن همه قوی و استعداد های فرزندان ، همکاری پدر و مادر و معلم و مربی همگی را مقتضی است.

۱۰ - از خصائص جامعه صنعتی تعدد و تنوع نقش هائی است که هر فرد در حیات اجتماعی خود باید عهده دار شود فرد علاوه بر آنکه بعنوان شاغل یک شغل در زندگی اجتماعی شرکت می جوید دهها و شاید صدها نقش دیگر هم بعنوان عضو خانواده ، عضو جامعه شهری ، عضو حزب ، صنف ، اتحادیه و غیر آن ، تولید کننده یا مصرف کننده بعضی کالاها و خدمات خواننده یک روزنامه یا تماشاگر و شنونده تلویزیون - رادیو و سینما ، و نظائر آن ایفا کرده و میکند و همه این جلوه های هستی فرد ، مقتضی آموختن و یادگیری است. متأسفانه مدارس در جهان اقتصادگرای روزی مانند کارگاه صنعتی بیشتر در مورد نقش آینده فرد در اشتغال یک شغل تأیید میکنند و نقش های اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی آموختن را مغفول می گذارند. در این جاست که باید انجمن خانه و مدرسه بتفکر و پیشنهاد تدابیری تازه روی آور شود. اهمیت اینکه به کودکان بیاموزیم که چگونه مطالعه کنند و یا چطور از اوقات فراغت خویش بهترین فایده را برگیرند مسلماً از آموختن دروس مدرسه کمتر نیست.

۱۱ - در آغاز اشارت کردیم که درس مدرسه باید با تجربه زندگی و آزمایش واقعیت توأم باشد. انجمن های خانه و مدرسه میتوانند به بررسی این امر پردازند که از چه راه میتوان پیوند میان درس و زندگی برقرار کرد. شاید فلان پدری که کارفرمای یک کارخانه ، باغبان یک باغ یا محافظ یک سوزه است بتواند در برقراری این رابطه ، در ایجاد فرصت برای شاگردان که از راه بازدید کارخانه - باغ - سوزه و غیر آن تجارب خود را غنی کنند و واقعیات محیط را بهتر بشناسند عامل مؤثر باشد.

۱۲ - بصورتی عامتر بیان کنیم باید به انجمن خانه و مدرسه حق داده شود که در جهت

تعمین هدفها ، روشها و طرز کار مدارس ارائه نظر و پیشنهاد کنند و نظر و پیشنهادش اگر با اصول تربیتی موافق باشد محل عنایت مسئولان برنامه ریزی و اداره مدارس واقع شود.

اعضای فعال انجمن خانه و مدرسه حتی میتوانند در اجرای بعضی از وظایف مدرسه مشارکت مستقیم نمایند. مثلاً در آسپیکاه پدران و بخصوص مادران را در تهیه و مسائل آموزشی ساده ، در مراقبت و نظارت اطفال در زمین بازی ، در کمک به اصلاح تکالیف ، در تعلیم قرائت بکودکان ، در راهنمایی کارهای دستی شاگردان و اموری از این گونه بیاری می طلبند.

۱۳ - با اهمیت استثنائی آموزش و پرورش قبل از دبستان در رشد بعدی استعدادها و شخصیت فرد ، این سؤال مطرح میشود که چرا نتوان هم انجمن خانه و مدرسه وهم بخصوص انجمن اولیاء و مربیان را برای تقویت و تشدید این مرحله از تعلیم و تربیت به مدد خواست و تجهیز کرد ؟

نظم و استمرار در همکاری میان خانه و مدرسه

۱۴ - ممکن است که بخاطر مستمعان ارجمند بگذرد که چگونه ایفای چنین نقش های دشواری ، از عهده انجمن های خانه و مدرسه که سالی فقط چند بار آنهم به مناسبت وقایع خاصی چون ارتقاء شاگردان از کلاسی به کلاسی بالاتر یا برگذاری جشن های ملی و ورزشی و مانند آن اجتماع میکنند برمی آید ؟ این سؤال پرسشی بمورد است و جواب آن این است که انجمن های مورد اشاره باید بیشتر از پیش منظم و متشکل شود و بجای روابط اتفاقی و گاه گاهی ، روابط منظم و مستمر را میان پدران و مادران و مسئولان و معلمان مدارس برقرار سازد و در طول سال پیوسته کتباً و شفهاً اولیاء را در جریان پیشرفت تحصیلی فرزندانشان بگذارد و علاوه بر مواقع استثنائی چون جشن پایان سال تحصیلی ، سوجبات مشارکت اولیاء را در امور مدرسه فراهم کند و با مدد انجمن های اولیاء و مربیان ، کلاسهای برای افزایش معرفت و بصیرت تربیتی پدران و مادران ترتیب دهد زیرا ایفای درست نقش پدری و مادری هم مستلزم یادگیری هائی است. متقابلاً اولیاء هم باید مجاز باشند که مسائل تربیتی خود در خانه و خانواده را با معلم و مربی و مسئول و مشاور و راهنمای مدرسه در کمال معرفت در میان بگذارند و از آنها نظر هدایت طلبند.

۱۵ - انتظام و تشکل روابط مداوم و مستمر میان خانه و مدرسه بصورت انجمن های فعال و ذی نفوذ میتواند عامل نیرومندی در تحول و تکامل نظام آموزشی باشد و حتی نظام ها و نهادهای دیگر را هم واز آن جمله و مسائل ارتباط جمعی را به خدمت هدفهای آموزش و پرورش گیرد. نسل امروز درون کشش ها و کشمکش های مختلف ناشی از منظومه پرتناقض اجتماع و فرهنگ کنونی سرگردان است و همکاری مدرسه و خانواده میتواند چراغ هدایتی قوی فرا راه جوانان روشن سازد.

بلیه سخنرانیهای کنگره در شماره آینده درج می گردد